**انترناسیونال 760**

**آلترناتیو سوسیالیستی و مواجهه هراسان آنتی سوسیالیستها با آن**

**پرسش از علی جوادی**

**انترناسیونال:** در پس اوضاع اخیر بار دیگر ما شاهد تلاشی در تعرض به سوسیالیسم شده ایم. مستقل از ابعاد این مساله، مستقل از کوچک و بزرگ بودن این تلاش، چه ارزیابی ای از نفس این حرکت در شرایط کنونی جامعه دارید؟ آیا حقیقتی در پس این تلاشها موجود است؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! هیچ ذره ای از حقیقت در پس این تلاشها موجود نیست. این تلاشها حاصل یک کنکاش علمی و تاریخی در ارزیابی از آرمان و اندیشه و تلاش سوسیالیستی در جامعه نیست. بر عکس محصول تلاش زرادخانه سرمایه داری معاصر در گوشه و کنار جهان و در ایران امروز در مواجهه با جنبش سوسیالیستی است. اجازه دهید به جوانب متعدد این مساله اشارات کوتاهی بکنم.

برای بررسی تاریخی تر شاید باید از دوران فروپاشی بلوک شرق و سقوط کمونیسم بورژوایی و سرمایه داری دولتی شروع کرد. با سقوط بلوک شرق ما شاهد تهاجم همه جانبه بلوک پیروز به ایده و آرمان و تلاش سوسیالیسم در جامعه بشری بودیم. تهاجمی و گوش کر کن. تمام قدرت تبلیغاتی دول پیروز اعم از مخزن های فکری و عقیدتی سرمایه داری حاکم تا قدرت مدیا و رسانه های اصلی و جیره خوار و صنعت مذهب و فرهنگی حاکم همگی در این کنسرت تهاجم ضد سوسیالیستی به خط شدند و تحت رهبری ارکستر این گروه قرار گرفتند. ریاکارانه شکست بلوک شرق را شکست سوسیالیسم و تجربه سوسیالیستی قلمداد کردند. فروپاشی حکومت شوروی را بمثابه پایان تلاشهای سوسیالیستی در بوق کردند و به خورد جامعه دادند. پایان بلوک شرق را کودنانه "پایان تاریخ" و ابلهانه تر "پایان مبارزه طبقاتی"، پایان ایده برابری و نوع دوستی و انسانگرایی و مسئولیت دولت در قبال آحاد جامعه، قلمداد کردند. آنچنان گرد و خاکی بپا کردند که رویت حقیقت از ریا و تزویر کار چندان ساده ای نبود. اما حقیقت ساده این بود که سقوط بلوک شرق در حقیقت چیزی جز سقوط یک الگوی سرمایه داری، سرمایه داری دولتی، در رقابت با الگوی دیگر سرمایه داری یعنی سرمایه داری رقابتی نبود. اینکه شوروی یک حکومت سوسیالیستی متکی بر آرمانهای آزادیخواهانه و انسانی مارکسیسم نبود، کوچکتری ربطی به کمونیسم نداشت، حتی برای شرق شناسان آکامی های بلوک غرب کاملا روشن بود. سوسیالیسم در شوروی با شکل گیری شوروی و عروج سرمایه داری دولتی به رهبری استالین شکست خورده بود نه در پس سقوط بلوک شرق. سوسیالیسم در روسیه پیش از شکل گیری بلوک شرق شکست خورده بود.

اما ما گفتیم علیرغم اینکه *"توانستند سقوط شرق را سقوط کمونیسم و پایان سوسیالیسم و مارکسیسم تصویر کنند. کل این شعبده بازی البته بیش از شش سال بطول نیانجامید و تمام شواهد امروز حاکی از این است که این دوران فریب دیگر به سر رسیده است. اما این شش سال دنیا را تکان داد. این پایان سوسیالیسم نبود، اما سرنخی بود به اینکه پایان سوسیالیسم واقعا چه کابوسی میتواند باشد و دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود. معلوم شد جهان، از حاکم و محکوم، سوسیالیسم را با تغییر تداعی میکند. پایان سوسیالیسم را پایان تاریخ خواندند، معلوم شد پایان سوسیالیسم پایان توقع برابری است، پایان آزاد اندیشی و ترقی خواهی است، پایان توقع رفاه است، پایان امید به زندگی بهتر برای بشریت است. پایان سوسیالیسم را حاکمیت بلامنازع قانون جنگل و اصالت زور در اقتصاد و سیاست و فرهنگ معنی کردند. و بلافاصله فاشیسم، راسیسم، مرد سالاری، قوم پرسری، مذهب، جامعه ستیزی و زورگویی از هر منفذ جامعه بیرون زد."* (منصور حکمت: تاریخ شکست نخوردگان)

این تبلیغات و گرد و خاک ها فروکش کرد. در مواجهه با واقعیات و تناقضات خرد کننده جامعه سرمایه داری بر باد رفت. ما همان زمان اعلام کردیم که این تعرض به گل خواهد نشست. اعلام کردیم تاریخ تاکنونی جوامع بشری تاریخ مبارزه طبقاتی است. این تخاصم طبقاتی، تنها با نابودی سرمایه داری و فنای طبقات و جامعه طبقاتی از میان خواهد رفت. ما دریچه ای شدیم که آرمانهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی بشر را در مقابل جامعه گرفتیم. از سوسیالیسم دفاع کردیم. با پرچم کمونیسم کارگری به مقابله با این تهاجم رفتیم. تسلیم نشدیم. زمین نخوردیم. از ایده برابری و آزادی انسانها، از رهایی جامعه از تمامی قید و بندهای سیاسی و اقتصادی و اسارت بار قاطعانه دفاع کردیم. امروز بار دیگر شاهد آن هستیم که تحولات جهان معاصر چه در جوامع غربی و چه در جوامعی مانند ایران همگی بر ضرورت سوسیالیسم در مقابله با سرمایه داری معاصر تاکید دارند. فریادهای سوسیالیستی از هر گوشه ای سر بلند کرده است.

و این تحولات ما را به گوشه دیگری از تلاشهای ضد سوسیالیستی امروز می رساند. چرا باز ما با تلاشی از این جنس مواجه ایم؟ چرا برخی باز مرده استالین را در مقابل ما علم کرده اند؟ چرا برخی باز علم شوروی را در مقابل تحرک طبقه کارگر و کمونیسم معاصر بلند کرده اند؟ چرا؟ واقعیت را باید در تحولات معاصر و تحرک طبقه کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی در جامعه ایران جستجو کرد.

امروز هیچ آنتی کمونیست و هیچ دو خردادی و ۲۰ خردادی و بچه حاجی و آخوند دو نبش و سه نبشی نیست که تحرک سوسیالیستی طبقه کارگر و تلاشهای کمونیسم کارگری را در مقابله با وضعیت موجود مشاهده نکرده باشد. روزی نیست که ما شاهد اعتراض و فراخوان و تجمع و اعتصاب کارگری در جامعه نباشیم. جامعه شاهد آن است که هر روز بیشتر از روز پیش، کمونیسم و کارگر با هم تداعی میشوند. هر روز شاهد آن هستیم که آزادیخواهی و برابری طلبی و مدرنیسم و ضدیت با مذهب با کمونیسم کارگری و آرمانهای و فعالیتهای این جنبش تداعی میشود. امروز بیش از هر زمان ضدیت با زن ستیزی، اسلام و تحجر با کمونیسم کارگری تداعی میشود. این واقعیات دوران حاضر، دورانی که جامعه ایران در آستانه یک تحول عظیم اجتماعی قرار گرفته است، و نه واقعیات سه دهه پیش، زمینه ساز تحرک و هراس مدافعین رنگارنگ سرمایه داری و اسلام سیاسی و جنبشهای ضد کارگری و ضد سوسیالیستی هستند. اگر بار دیگر دارند بر طبل آنتی سوسیالیستی می کوبند، در هراس از احتمال واقعی آینده سوسیالیستی جامعه است. بهمین سادگی به همین روشنی!

هراس این جماعت از هر جنس و نوعی که باشند، هراسی از یک آینده سوسیالیستی و آزادیخواهانه در جامعه ایران است. هراس از طبقه کارگری مدرن و سوسیالیستی است که دیگر نمی خواهد زمینه ساز قدرت گیری طبقات دارا و سرمایه دار در جامعه باشد. طبقه کارگری و کمونیسمی که می آید تا آزادی خود را، آزادی همگان در جامعه را، متحقق کند. جامعه ایران در آستانه یک تحرک عظیم اجتماعی است. اما قرار نیست، تجربه تلخ و خونین حکومت اسلامی با شکست "انقلاب ۵۷" تکرار شود. سوسیالیسم و آلترناتیو کارگری یک گزینه واقعی و مطرح در جامعه است. هراس ضد کارگر و ضد سوسیالیسم، ناشی از این آینده محتمل است. این ارکستر ضد سوسیالیستی و ضد کارگری را مبلغان رنگارنگ بورژوازی که احتمال چپ شدن فردای جامعه ایران را میدانند. همانطور که در مواجهه با "انقلاب ۵۷" دست به یک مهندسی عظیم اجتماعی زدند و گندیده ترین و حاشیه ای ترین و مرتجع ترین جریان سیاسی در ایران را به "رهبر انقلاب" و انقلاب را "انقلاب اسلامی" قلمداد کردند. ما این تبلیغات را میشناسیم. ما این نیروها را میشناسیم. ما اهدافشان را میشناسیم. ما اجازه نخواهیم داد تا تاریخ و سرنوشت "انقلاب ۵۷" تکرار شود. انقلاب آتی ایران میتواند یک انقلاب کارگری پیروزمند باشد. سرنگونی رژیم اسلامی میتواند با پرچم کمونیسم و کارگر به سرانجام پیروزمند خود برسود. این مطلوب ترین شکل پایان بخشیدن به حکومت اسلامی و سرمایه داری در ایران است. این مطلوب ترین راه خلاصی از تمامی مصائب گریبانگیر جامعه است.

ما بار دیگر تکرار میکنیم؛ سوسیالیسم نام دیگری برای تمام آزادیخواهی، تمامی برابری طلبی، تمام انسانگرایی در جامعه است. جمهوری سوسیالیستی ضامن آزادی و برابری و رفاه همگان است. بگذار دشمنان آزادی و برابری و سوسیالیسم از "خطر" سوسیالیسم به اشباح و مردگان متوسل شوند. کمونیسم و کارگر و اردوی آزادیخواهی با قامتی استوار میکوشد تا سرنگونی رژیم اسلامی را با استقرار یک جمهوری آزاد سوسیالیستی مترادف کند.